

انواع تناوب‌های مفعول قابل درک در افعال فارسی

مریم قیاسوند^۱ (دکترای زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۷/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۹

چکیده: هر تناوب به‌عنوان جفت‌جملاتی با ساختارهای کمابیش متفاوت که معنای یکسانی دارند تعریف می‌شود. قابلیت برخی افعال در بیان تناوبی موضوعاتشان، در دهه‌های اخیر، به‌دلایل گوناگون مورد توجه بوده است؛ یکی از این دلایل، امکان طبقه‌بندی معنایی افعال براساس رفتار تناوبی آنهاست. لوین (۱۹۹۳) با بررسی ۳۰۲۴ فعل انگلیسی و بررسی ۶۸ تناوب موضوعی افعال انگلیسی، طبقه‌بندی نسبتاً جامعی از این افعال به‌دست داده است. در این پژوهش، به بررسی یکی از انواع تناوب‌های گذرایی پرداختیم که لوین معرفی کرده است. این تناوب با عنوان تناوب مفعول قابل درک، خود به هشت طبقه تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: تناوب مفعول نامشخص، تناوب مفعول عضو بدن قابل درک، تناوب مفعول انعکاسی قابل درک، تناوب مفعول دوسویه قابل درک، تناوب مفعول افتان‌اختیاری، تناوب ویژگی خاص، تناوب مفعول مستقیم در مقام راه و تناوب امر تجویزی. با بررسی هرکدام از این تناوب‌ها بر مجموعه‌ای فعلی بالغ بر ۳۰۷۰ فعل فارسی، طبقاتی از افعال شرکت‌کننده در این تناوب را مشخص کردیم. از بین این تناوب‌ها تنها یک تناوب در فارسی مشاهده نشد و آن تناوب مفعول مستقیم در مقام راه بود.

کلیدواژه‌ها: تناوب‌گذرایی، تناوب موضوعی، تناوب مفعول قابل درک، تناوب مفعول نامشخص، تناوب مفعول انعکاسی قابل درک، تناوب مفعول دوسویه قابل درک.

۱ مقدمه

تناوب‌های فعلی، ساختارهای نحوی دوگانه‌ای هستند که با یک تقابل به هم مرتبط می‌شوند؛ فعل می‌تواند بسته به کاربردش، در تعداد موضوعات و همین‌طور در روابط دستوری بین موضوعاتش تغییراتی ایجاد کند و در واقع بی‌آنکه معنایش تغییر چندانی بکند، با دو چارچوب زیرمقوله‌ای متفاوت به کار رود. قابلیت برخی افعال در بیان تناوبی موضوعاتشان، در دهه‌های اخیر، به دلایل گوناگون مورد توجه بوده است؛ یکی از این دلایل، این است که الگوهای تناوبی موضوعی برای طبقه‌بندی ریزتر افعال در یک زبان مفروض می‌توانند کارآمد باشند؛ برای مثال، در انگلیسی براساس الگوهای تناوبی موضوعی مشترک، ۴۹ طبقه فعلی گسترده و ۱۹۲ ریزطبقه شناخته شده است (لویس^۱، ۱۹۹۳). علاوه بر این، اگر الگوهای تناوبی افعال به درستی شناخته شوند، می‌توانند در ایجاد انواع طبقات فعلی که به لحاظ بینا‌زبانی معتبرند، کمک‌کننده باشند. علاوه بر دو دلیل ذکر شده، تناوب‌های موضوعی در نظریه‌های بازنمایی موضوعی نیز راه‌گشا هستند (کوو^۲، ۲۰۱۵)؛ در ساختارهایی مثل جمله (۱) فعل «اصلاح کردن» در جمله اول دارای دو موضوع «فاعل و مفعول مستقیم» با نقش معنایی «کنش‌گر و کنش‌پذیر» است، اما همین فعل در جمله دوم دارای تنها یک موضوع با نقش معنایی «کنش‌گر» در جایگاه فاعل است. جمله دوم، یعنی گونه ناگذرای این تناوب، فاقد مفعول آشکار است، اما خود فعل در این تناوب بر وجود مفعولی دلالت دارد که خاص آن فعل است:

۱. الف. رضا هرروز صبح صورتش را اصلاح می‌کند.

ب. رضا هر روز صبح اصلاح می‌کند.

این تناوب از انواع تناوب‌های گذرایی^۳ است که در بخش‌های آتی معرفی می‌کنیم. تناوب گذرایی تناوبی است که در آن تغییر در گذرایی فعل رخ می‌دهد. در بخش بعد، مروری خواهیم داشت بر مطالعات انجام‌شده در این زمینه. بخش سوم مقاله به توصیف شیوه انجام پژوهش می‌پردازد و بخش چهارم معرفی و بررسی انواع تناوب‌های مفعول قابل‌درک در فارسی اختصاص دارد. در بخش پنجم، جمع‌بندی نهایی از پژوهش حاضر ارائه خواهد شد.

۲ پژوهش‌های پیشین و چارچوب نظری

از جمله مطالعاتی که در زمینه تناوب‌های موضوعی در فارسی انجام شده است، می‌توان از صفری و کریمی دوستان (۱۳۹۰) نام برد؛ صفری و کریمی دوستان در این مقاله اثرکلی/جزئی در تناوب مکانی را بررسی کردند که یکی از تناوب‌هایی است که درون موضوعات گروه فعلی رخ می‌دهند. صفری (۱۳۹۵) نیز در مقاله تناوب مکانی در زبان فارسی، ویژگی‌های نحوی و معنایی تناوب مکانی در فارسی

1. B. Levin

2. J. C. C. Kuo

3. Transitivity Alternation

را برشمرده است. از دیگر پژوهش‌ها در این زمینه می‌توان از صفری (۱۳۹۴) نام برد؛ صفری با اتخاذ رویکرد معناشناسی زمینه، که در آن تأکید بر دانش پس‌زمینه است، بیان می‌دارد اگر ماهیت معنایی فعل با توجه به زمینه‌های معنایی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد، درمی‌یابیم رفتار متفاوت فعل‌های تناوبی در بافت‌های خاص به این دلیل است که با بیش از یک زمینه معنایی مرتبط هستند. قیاسوند (۱۳۹۴) هم سعی در بررسی تناوب‌های فاعل فرعی براساس طبقه‌بندی لوین در مورد افعال فارسی داشته است؛ تناوب‌های فاعل فرعی از زمره تناوب‌هایی هستند که بدون تغییر در گذرایی فعل صورت می‌گیرند. در زمینه تناوب‌های گذرایی فارسی می‌توان از مقاله‌ای با عنوان «تناوب سببی در فارسی» از صفری و کریمی دوستان (۱۳۹۲) نام برد؛ ایشان در این مقاله تناوب سببی را در چارچوب رویکرد واژگانی-ساختمند بررسی کرده‌اند. شجاعی و کریمی دوستان (۱۳۹۴) نیز در مقاله‌ای رویکردهای مختلف واژگان‌گرا و نقطه‌نظرات آنها را در ارتباط با تناوب سببی بررسی کرده‌اند. از دیگر مطالعات در زمینه تناوب‌های گذرایی، می‌توان از سه مقاله طیب‌زاده (۱۳۹۳؛ الف؛ ۱۳۹۵؛ ب) نام برد؛ وی در یکی از این مقاله‌ها (۱۳۹۳) دو تناوب اشتقاقی پرکاربرد در زبان فارسی یعنی تناوب «آغازی/سببی» و تناوب «معلوم/مجهول» را برگزیده و ملاک‌هایی برای شناسایی آنها ارائه کرده است. وی در مقاله «تناوب‌های گذرایی در فارسی؛ پژوهشی براساس آراء لوین» (۱۳۹۵) تناوب‌های بررسی شده در مقاله حاضر را نیز در فارسی بررسی و نمونه‌هایی از افعال تناوبی ارائه کرده است. اما تاکنون پژوهشی پیکره‌بنیاد در این زمینه صورت نگرفته است و پژوهش حاضر می‌تواند اولین قدم در جهت طبقه‌بندی معنایی افعال براساس رفتار تناوبی آنها قلمداد شود. در این پژوهش، تمامی جملات شاهد از طریق جستجو در گوگل ارائه شده‌اند. در بخش آتی به معرفی این تناوب‌ها و بررسی آنها در افعال پیکره مذکور خواهیم پرداخت. هر تناوب، به‌عنوان جفت جملاتی با ساختارهای کمابیش متفاوت با معنای یکسان تعریف می‌شود. فقط در مواردی که فعلی مفروض یا یک طبقه فعلی با دو ساختار تناوبی یافت شود، می‌توان ادعا کرد که تناوبی خاص در آن زبان وجود دارد؛ مثل «اصلاح کردن» در مثال ۱. اگر فعل یا طبقه فعلی در تنها یکی از گونه‌های تناوب امکان حضور داشته باشد یا در هیچ‌کدام وجود نداشته باشد، تناوب هم در آن زبان وجود ندارد؛ مثل فعل «تحویل دادن» در مثال (۲):

۲. الف. رضا هر روز صبح بسته پستی را تحویل می‌دهد.

ب. *رضا هر روز صبح تحویل می‌دهد.

در پژوهش حاضر، تنها تناوب‌های واژگانی مورد نظر است و نه تناوب‌های صرفی (مثل خندید و خندانند که گونه گذرا حاصل افزوده شدن عنصری صرفی به گونه ناگذرا است) یا نحوی (مثل «خورد» در گونه معلوم و «خورده شد» در گونه مجهول) (طیب‌زاده، ۱۳۹۵). لوین (۱۹۹۳) انواع تناوب‌های گذرایی را در انگلیسی به چهار طبقه اصلی و چندین ریزطبقه تقسیم کرده است که عبارت‌اند از:

- انواع تناوب‌هایی که در آنها مفعول مستقیم فعل گذرا مساوی است با فاعل فعل ناگذرا
- تناوب‌های مفعول مستقیم قابل‌درک
- تناوب‌های گرایشی
- تناوب‌های حذف حرف اضافه

ما در این پژوهش تنها به انواع تناوب‌های مفعول مستقیم قابل‌درک پرداخته‌ایم؛ در این دسته از تناوب‌های گذرایی، فاعل گونه گذرا و فاعل گونه ناگذرا رابطه معنایی یکسانی با فعل دارند، با این تفاوت که گونه ناگذرا در هرکدام از این تناوب‌ها دارای مفعولی قابل‌درک است.

۳ شیوه پژوهش

روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است. ابتدا داده‌های مورد مطالعه از طریق مجموعه‌ای فعلی بالغ بر ۳۰۷۰ فعل فارسی اعم از افعال ساده و مرکب بررسی خواهد شد که به همراه شواهد مختلف از منابع متفاوت از زبان رسمی معیار فارسی علی‌الخصوص مرجع دادگان زبان فارسی^۱ و روزنامه‌ها و مجلات مختلف جمع‌آوری شده‌اند. لازم به ذکر است که افعال مرکب را با توجه به معیارهای طباطبایی (۱۳۸۴) شناسایی کردیم. این معیارها به این صورت‌اند:

- فعل مرکب یک واحد معنایی است و جزء فعلی آن تهی از محتوای معنایی است.
- اگر عبارتی از یک اسم و یک فعل گذرا (متعدی) ساخته شده باشد و این دو در مجموع به یک مفعول رایج احتیاج داشته باشند، با فعل مرکب سروکار داریم. مثل «جاروکردن» در جمله «پیرزن حیاط را جارو کرد».
- اگر عبارتی از یک اسم و یک فعل گذرا ساخته شده باشد و این دو در مجموع مانند فعل ناگذرا عمل کنند و به مفعول احتیاج نداشته باشند، با فعل مرکب سروکار داریم: همیشه رنج می‌کشند.

۴ بحث و تحلیل

در این پژوهش، به بررسی یکی از انواع تناوب‌های گذرایی پرداختیم که لوین معرفی کرده است. این تناوب با عنوان تناوب مفعول قابل‌درک، خود به هشت طبقه تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: تناوب مفعول نامشخص، تناوب مفعول عضو بدن قابل‌درک، تناوب مفعول انعکاسی قابل‌درک، تناوب مفعول دوسویه قابل‌درک، تناوب مفعول افتان اختیاری، تناوب ویژگی خاص، تناوب مفعول مستقیم در مقام راه و تناوب امر تجویزی که در ادامه به تفصیل معرفی شده‌اند.

1. <http://dadegan.ir/>

۴-۱ تناوب‌های مفعول مستقیم قابل‌درک

این تناوب‌ها بین دو ساخت زیر رخ می‌دهند:

الگو: گروه اسمی ۱ (کنش‌گر) + گروه اسمی ۲ همراه با را (کنش‌پذیر) + فعل

گروه اسمی ۱ (کنش‌گر) + فعل (دارای مفعول قابل‌درک)

مثال:

۳. الف. پدرم (گروه اسمی ۱ [کنش‌گر]) هرروز صبح صورتش را (گروه اسمی ۲ همراه با را

[کنش‌پذیر]) اصلاح می‌کند.

ب. پدرم (گروه اسمی ۱ [کنش‌گر]) هرروز صبح اصلاح می‌کند.

در این دسته از تناوب‌های گذرای، فاعل گونه‌گذرا و فاعل گونه‌ناگذرا رابطه‌معنایی یکسانی با فعل دارند، با این تفاوت که گونه‌ناگذرا در هرکدام از این تناوب‌ها دارای مفعولی قابل‌درک است. این بخش تناوب‌های مختلفی را در بر می‌گیرد که بسته به معنای مفعول قابل‌درک متفاوت‌اند.

۴-۱-۱ تناوب مفعول نامشخص^۱

یکی از انواع تناوب‌های مفعول مستقیم قابل‌درک، تناوب مفعول نامشخص است که در گونه‌ناگذرا فاقد مفعول آشکار است، اما خود فعل به‌وضوح بر وجود مفعولی دلالت دارد که خاص آن فعل است (طیب‌زاده، ۱۳۹۵ب). این تناوب را با نام‌های دیگری چون «مفعول مستقیم نامعلوم»^۲ یا «حذف گروه اسمی نامعلوم»^۳ نیز نامیده‌اند. در انگلیسی این تناوب با افعال رخدادی زیادی دیده می‌شود (لوی، ۱۹۹۳: ۳۳):

4. a. Mike ate the cake.

b. Mike ate. (Mike ate a meal or something one typically eats.)

به‌اعتقاد طیب‌زاده (۱۳۹۵الف)، افعالی چون wash, eat, drink, cook, bake، و غیره در زبان انگلیسی که دارای تناوب مفعول نامشخص هستند، کاربردشان در ساخت‌های لازم و بدون مفعول باعث بدساخت‌شدن جمله نمی‌شود، اما معادل همین افعال در فارسی حتماً باید با مفعول آشکار به‌کار روند و حذف مفعول از جمله‌ای که این افعال در آنها ظاهر شده است باعث بدساخت‌شدن جمله یا وابسته‌کردن درک معنای جمله به بافت می‌شود:

۵. الف. علی غذا را خورد.

ب. ؟؟ علی خورد.

1. unspecified object alternation

2. indefinite object

3. indefinite NP deletion

۶. الف. بچه گلدان را شکست.

ب.؟؟ بچه شکست (طیب‌زاده، ۱۳۹۵ الف: ۱۷۵).

وی افعالی چون «اتوکردن، امتحان دادن و بالا آوردن» را از زمره افعالی می‌داند که در این تناوب شرکت می‌کنند (مثال‌های ۱۲ و ۱۳). اما به اعتقاد نگارنده، فعل «خوردن» در فارسی نیز در این تناوب شرکت می‌کند.

۷. الف. تمام شب را تنقلات خوردیم و نوشیدنی نوشیدیم.

ب. تمام شب را خوردیم و نوشیدیم.

افعال شرکت‌کننده در این تناوب، افعالی هستند که مفعول‌هایی ذاتی دارند، به این معنا که از معنای خود فعل می‌توان مفعول قابل درک در جمله را درک کرد. برای مثال در نمونه (۵ب) با اینکه مفعول فعل «خوردن» بیان نشده است، اما معنای این فعل بر خوردن یک شیء جامد دلالت دارد. به همین ترتیب، فعل «نوشیدن» در غیاب مفعول مستقیم، بر خوردن چیزی از جنس مایعات دلالت دارد. اما در رابطه با فعلی مثل «شکستن»، اعتقاد نگارنده بر این است که با حذف مفعول در گونه ناگذرای تناوب، معنای جمله وابسته به بافت می‌شود. از آنجایی که این فعل می‌تواند مفعول‌هایی از جنس متفاوت داشته باشد، برای نمونه شکستن یک شیء شکستی، شکستن دل، شکستن قول، شکستن قانون و... تشخیص مفعول قابل درک از معنای فعل امکان‌پذیر نیست (نمونه ۴). نگارنده شواهد بسیاری برای این نوع تناوب در فارسی یافته است که در ادامه بیان می‌شوند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، این تناوب یکی از پرسامدترین تناوب‌ها در افعال فارسی است. افعال شرکت‌کننده در این تناوب عبارت‌اند از:

طبقه افعال آرایشی: اصلاح کردن، اکستشن کردن، آرایش کردن، بندانداختن، پدیکور کردن، تسو کردن، رنگ کردن، سشو کردن، سوهان کشیدن، شامپو کردن، شانه کردن، شینیون کردن، شیو کردن، فردادن، کراتین کردن، گریم کردن، لولایت کردن، مانیکور کردن، ویو کردن، هاشور کردن (ابرو)، هایلایت کردن، برنزه کردن، آراستن.

۸. الف. با این دستورالعمل خیلی راحت و سریع موهایتان را شینیون کنید.

ب. با این دستورالعمل خیلی راحت و سریع شینیون کنید.

طبقه افعال آرایشی کلی (که صرفاً برای جزء خاصی از بدن به کار نمی‌روند): آراستن، آرایش کردن، گریم کردن، اصلاح کردن، شیو کردن، برنزه کردن.

طبقه افعال درمانی: ارتودنسی کردن، احیا کردن، بلیچ کردن، برساز کردن، بخیه زدن، پانسمان کردن، پروتز کردن، تزریق کردن، جراحی کردن، عمل کردن (جراحی)، عصب‌کشی کردن، کورتاژ کردن، لمینیت کردن، لیزر کردن، درمان کردن.

۹. الف. در سوند مطابق قانون کورتاژ می‌توان آزادانه جنین را کورتاژ کرد.
ب. در سوند مطابق قانون کورتاژ می‌توان آزادانه کورتاژ کرد.
طبقه افعال درمانی کلی: بخیه‌زدن، پانسمان کردن، جراحی کردن، عمل کردن، درمان کردن.
طبقه افعال مراقبت بخشی از بدن: مسواک کردن، کیسه‌کشیدن.
طبقه افعال مراقبت کل بدن: کیسه‌کشیدن.
طبقه افعال تعلیمی: آموزش دادن، آموزش دیدن، آموختن، امتحان دادن، امتحان گرفتن، تعلیم دادن، تعلیم دیدن، درس دادن، پرسیدن، پرسش کردن، سوال کردن، یاد دادن، یاد گرفتن^۱، آزمون دادن، آزمون گرفتن، ارفاق کردن، بارم‌بندی کردن.
۱۰. الف. معلم خیلی سریع فصل آخر را درس داد و رفت.
ب. معلم خیلی سریع درس داد و رفت.
۱۱. الف. معلم روزهای دوشنبه فقط درس می‌پرسد.
ب. معلم روزهای دوشنبه فقط می‌پرسد.
طبقه افعال گوارشی: بالا آوردن، استفراغ کردن، هضم کردن، تف کردن، قورت دادن، غرغره کردن، جویدن، استنشاق کردن، بلعیدن.
۱۲. الف. بچه شیر را بالا آورد.
ب. بچه بالا آورد (طیب‌زاده، ۱۳۹۵ الف: ۱۷۴).
طبقه افعال ایزاری: اتوکردن، اتوزدن، اتوکشیدن، اسپری کردن، آسفالت کردن، پارکت کردن، پاروکردن، شخم‌زدن، سمپاشی کردن، آبیاری کردن، جاروکردن، جاروکشیدن، پنچرگیری کردن، صحافی کردن، فاکس کردن، ایمیل کردن، آسیاب کردن، پارک کردن، خلاص کردن (دنده)، برق‌انداختن.
۱۳. الف. او دارد لباس‌ها را اتو می‌کند.
ب. او دارد اتو می‌کند (طیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۷۴).
طبقه افعال کشتن: قتل عام کردن، قربانی کردن.
۱۴. الف. النصره ۴۵۰ نفر را در یک روستای کردنشین قتل عام کرد.
ب. النصره در یک روستای کردنشین قتل عام کرد.
طبقه افعال نگه داشتن: احتکار کردن، پس انداز کردن، جیره‌بندی کردن، رزروکردن.
۱۵. الف. من این ماه ۹۰ درصد درآمدم را پس انداز کردم.
ب. من این ماه پس انداز کردم.

۱. تمام افعال این طبقه در بافت کلاس درس می‌توانند تناوبی باشند.

طبقه افعال تغییر مالکیت: بیعانه‌دادن، پاداش‌دادن، انعام‌دادن، پرداخت‌کردن، پرداخت‌نمودن، پرداختن (وجه)، پاس‌دادن، شوت‌کردن، شوت‌زدن، قرض‌دادن، قرض‌کردن، قرض‌گرفتن، وصول‌کردن، واریز‌کردن، نسبه‌کردن، نسبه‌دادن، اجاره‌دادن، اجاره‌کردن، ضمانت‌کردن، ایثار‌کردن.

۱۶. الف. برای خرید دستگاه دست دوم یک میلیون بیعانه دادم.

ب. برای خرید دستگاه دست دوم بیعانه دادم.

۱۷. الف. شهدا جان خود را ایثار کردند.

ب. شهدا ایثار کردند.

طبقه افعال توضیح‌دادن: دیکته‌کردن، توضیح‌دادن، روایت‌کردن، تفسیر‌کردن/نمودن، مثال‌زدن، مثال‌آوردن، گزارش‌دادن، گزارش‌کردن، اعتراف‌کردن، تحلیل‌کردن.

۱۸. الف. برای درک بهتر چند جمله را مثال زد/آورد.

ب. برای درک بهتر مثال زد/آورد.

طبقه افعال تعامل اجتماعی: تسویه‌کردن، معامله‌کردن، تجارت‌کردن، ویزیت‌کردن (بیمار)، تربیت‌کردن.

۱۹. الف. بیمه ایران بدهی ۱۰۰۰ میلیارد تومانی خود را با وزارت بهداشت تسویه کرد.

ب. بیمه ایران با وزارت بهداشت تسویه کرد.

طبقه افعال آوازی: خواندن، سرآیدن، سرودن، آهنگسازی‌کردن، زدن (نواختن)، نواختن، بازخوانی‌کردن، لب‌خوانی‌کردن.

۲۰. الف. کل شب را از خوشحالی آهنگ زدیم (نواختیم) و ترانه خواندیم.

ب. کل شب را از خوشحالی زدیم (نواختیم) و خواندیم.

طبقه افعال همراهی: همخوانی‌کردن.

۲۱. الف. در این برنامه هدف این بود که ترانه معروف را همخوانی کنیم.

ب. در این برنامه هدف این بود که همخوانی کنیم.

طبقه افعال زدودنی: سانسور‌کردن، پاکسازی‌کردن؟، رفوکردن، ضدعفونی‌کردن؟، پاک‌نویس‌کردن.

۲۲. الف. تلویزیون بخش سیاسی مصاحبه را سانسور می‌کند.

ب. تلویزیون سانسور می‌کند.

طبقه افعال ازدواجی: عقد‌کردن.

۲۳. الف. علی دخترخاله‌اش را عقد کرد.

ب. علی عقد کرد.

طبقهٔ افعال به‌دست‌آوردن: تحصیل کردن، کشتن، برداشت کردن، سرقت کردن، اختلاس کردن، غارت کردن، مصادره کردن، دانلود کردن، اقتباس کردن، بازیابی کردن، بازیافت کردن.

۲۴. الف. کارمند بانک ۴ میلیارد تومان اختلاس کرد.

ب. کارمند بانک اختلاس کرد.

افعال مربوط به اعمال مذهبی: اقامه داشتن، اقامه کردن، استعجابت کردن، اجابت کردن، آمرزیدن، بخشودن، نذر کردن، شفاعت کردن، شفا دادن.

۲۵. الف. مادرم برای قبولی من شله زرد نذر کرده بود.

ب. مادرم برای قبولی من نذر کرده بود.

طبقهٔ افعال خلق کردنی: تألیف کردن، تایپ کردن، تحریر کردن، ترجمه کردن، (نقاشی) کشیدن، ضبط کردن، نوشتن.

۲۶. الف. کل شب را مقاله تایپ می‌کردم.

ب. کل شب را تایپ می‌کردم.

طبقهٔ افعال خوردن: خوردن، نوشیدن، نوش کردن، آشامیدن.

۲۷. الف. تمام شب تنقلات خوردیم و نوشیدنی نوشیدیم و خندیدیم.

ب. تمام شب خوردیم و نوشیدیم و خندیدیم.

طبقهٔ افعال جستجو کردن: شکار کردن، صید کردن، حفاری کردن، استخراج کردن (از معدن)، استراق‌سمع کردن، استعلام کردن.

۲۸. الف. جگوار در دو ثانیه کروکودیل را شکار کرد.

ب. جگوار در دو ثانیه شکار کرد.

۴-۲- تناوب مفعول عضو بدن قابل‌درک^۱

این تناوب در افعالی یافت می‌شود که اشارات یا علامتی را که با عضو خاصی از بدن انجام می‌شود، توصیف می‌کنند. این افعال این بخش از بدن را به‌عنوان مفعول مستقیم در گونهٔ گذرا به‌کار می‌برند. در کاربرد ناگذرا عضو بدن محذوف، اما قابل‌درک است؛ بی‌آنکه جمله بدساخت یا مبهم شود (لویس، ۱۹۹۳: ۳۴).

29. a. The departing passenger waved his hand at the crowd.

b. The departing passenger waved at the crowd.

30. a. Jennifer craned her neck.

b. * Jennifer craned.

1. understood body-part object

طیب‌زاده (۱۳۹۵ الف: ۱۷۵) افعالی چون «اصلاح کردن، بندانداختن، بیگودی پیچیدن، تاتو کردن، سشوار کشیدن، شانه کردن، گرم کردن (در ورزش)، کیسه کشیدن، ماتیک زدن، مانیکور کردن، مسواک زدن، نخ‌دندان کشیدن، وسمه کشیدن» را از زمره چنین افعالی می‌داند. نگارنده نیز علاوه بر افعال فوق، شواهد بسیاری برای این تناوب در فارسی یافته است که در ادامه بیان می‌شود. برخی از افعال به‌گفته لوبین، چندین مفعول اعضای بدن دارند که به هر حال یکی از آنها مرتبط با کاربرد ناگذرای فعل مذکور است. به این نکته نیز توجه شود که آن بخش از اعضای بدن که در گونه دوم قابل‌درک است، متعلق به شرکت‌کننده اصلی جمله، یعنی کنش‌گر جمله، است. از این‌رو، افعالی مانند «بخیه‌زدن»، «پانسمان کردن» و «احیا کردن» تنها زمانی در این تناوب می‌توانند شرکت کنند که مفعول فعل به عضوی از بدن خود فاعل و کنش‌گر جمله اشاره داشته باشد نه شخص دیگری:

۳۱. الف. پرستار خیلی سریع زخم بیمار / دستش را بخیه زد.

ب. پرستار خیلی سریع بخیه زد.

۳۲. الف. پرستار خیلی سریع دست بیمار / دستش را پانسمان کرد.

ب. پرستار خیلی سریع پانسمان کرد.

از این‌رو، این افعال را که شرکتشان در تناوب مشروط است، در طبقه افعال تناوبی ذکر نخواهیم کرد. علاوه بر این، در افعالی مثل اشاره کردن و علامت دادن، اگرچه عضو مشخصی از بدن دخیل است، اما اینجا عضو بدن مفعول حرف اضافه بایی است نه مفعول مستقیم. پس این افعال نیز در این تناوب جای نمی‌گیرند:

۳۳. الف. رانندگان با دست به هم علامت دادند.

ب. رانندگان به هم علامت دادند.

طبقات افعال شرکت‌کننده در این تناوب به‌قرار زیر است؛ بیشتر افعالی که در این نوع تناوب حضور دارند افعالی هستند که در تناوب نوع پیشین یعنی تناوب مفعول نامشخص هم حضور داشتند.

طبقه افعال تغییر مالکیت: ایثار کردن.

طبقه افعال آرایشی: اصلاح کردن، اکستشن کردن، آرایش کردن، بندانداختن، پدیکور کردن، تاتو کردن، رنگ کردن، سشوار کردن، سوهان کشیدن، شامپو کردن، شانه کردن، شینیون کردن، شیو کردن، فردادن، کراتین کردن، گریم کردن، لولایت کردن، مانیکور کردن، ویو کردن، هاشور کردن (ابرو)، هایلایت کردن، برنزه کردن.

۳۴. الف. رضا هرروز صبح صورتش را اصلاح می‌کند.

ب. رضا هرروز صبح اصلاح می‌کند (طیب‌زاده، ۱۳۹۵ الف: ۱۷۵).

طبقه افعال مراقبت بخشی از بدن: مسواک کردن، کیسه کشیدن.

طبقه افعال درمانی (برخی): ارتودنسی کردن، برساژ کردن، بلیچ کردن، پروتز کردن، جراحی کردن، عصب‌کشی کردن، عمل کردن (جراحی)، کورتاژ کردن، لمینیت کردن، لیزر کردن.
۳۵. الف. باید آخر ماه دندانم را عصب‌کشی کنم.
ب. باید آخر ماه عصب‌کشی کنم.
طبقه افعال گوارشی: تف کردن.
طبقه افعال حرکتی: تکیه‌دادن، قردادن.

۴-۳- تناوب متمم انعکاسی قابل‌درک^۱

به صورت ضمیر انعکاسی ظاهر می‌شود. این ضمیر انعکاسی در گونه ناگذرا قابل حذف، اما قابل‌درک است (طیب‌زاده، ۱۳۹۵ب). در واقع، گونه ناگذرا را می‌توان با همان ساخت گونه گذرای فعل اما با حضور یک ضمیر انعکاسی در جایگاه مفعول بیان کرد (لوین، ۱۹۹۳: ۳۵).

36. a. Jill dressed herself hurriedly.

b. Jill dressed hurriedly.

تعداد محدودی از افعالی که در تناوب متمم عضو بدن قابل‌درک شرکت دارند، در این تناوب نیز می‌توانند شرکت کنند؛ شرط شرکت در این تناوب این است که مفعول فعل مذکور تنها عضو خاصی از بدن نباشد و بتوان آن را به شکل ضمیر انعکاسی برای اشاره به کلیت فرد فاعل به کار برد؛ به طور مثال، فعل «آرایش کردن» هم می‌تواند فاعل خاص عضو بدن داشته باشد و برای اشاره به آرایش عضوی خاص به کار رود و هم می‌تواند برای اشاره به آرایش کردن کل ظاهر فرد به کار رود. اما فعلی مثل «شینون کردن» که اشاره به آرایش عضوی خاص از بدن، یعنی موها دارد، نمی‌تواند در این تناوب شرکت کند؛

۳۷. الف. او *خودش را/ موهایش را شینون کرد.

ب. او شینون کرد.

از این رو، افعالی که در این تناوب شرکت می‌کنند عبارت‌اند از افعال آرایشی، افعال درمانی و افعال مراقبتی کل بدن، به علاوه فعل «استتار کردن» از طبقه افعال پوشاندن که به پوشاندن کل بدن اشاره دارد.

طبقه افعال آرایشی کل بدن: اصلاح کردن، آرایش کردن، آراستن، گرم کردن، شیو کردن، برنزه کردن.

۳۸. الف. مریم خیلی سریع خودش را گرم کرد.

ب. مریم خیلی سریع گرم کرد.

طبقه افعال درمانی کل بدن: جراحی کردن، عمل کردن (جراحی)، پانسمان کردن، بنخیه کردن،

درمان کردن.

۳۹. الف. در موقعیت اورژانسی دانشجوی پزشکی خودش را عمل کرد.

ب. در موقعیت اورژانسی دانشجوی پزشکی عمل کرد.

طبقهٔ افعال مراقبت کل بدن: حمام کردن، کیسه کشیدن.

۴۰. الف. رفتم حمام خودم را کیسه کشیدم.

ب. رفتم حمام کیسه کشیدم (طیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۷۵-۱۷۶).

طبقهٔ افعال پوشاندن: استتار کردن.

۴-۱-۴ تناوب مفعول دوسویهٔ قابل درک^۱

در این تناوب، مفعول گونهٔ گذرا، در گونهٔ ناگذرا در جایگاه فاعلی ظاهر می‌شود و با فاعل گونهٔ گذرا یک فاعل اسم جمع را تشکیل می‌دهند. این فاعل جمع محدودیت‌هایی دارد: همهٔ شرکت‌کنندگان در عمل باید از وضعیت یکسانی برخوردار باشند؛ مثلاً هردو جان‌دار یا هردو شیء باشند. در این ساخت (ناگذرا) ضمائر دوسویه (مثل یکدیگر، هم و همدیگر) اگرچه حضور ندارند، اما از معنای فعل قابل درک هستند. فعل «ملاقات کردن» در فارسی تنها فعلی است که دارای چنین تناوبی است (برای مآخذ بیشتر رک. لوین: ۳۷-۳۶).

41. a. Anne met Cathy.

b. Anne and Cathy met.

42. a.* Brenda bantered Molly.

b. Brenda and Molly bantered.

۴۳. الف. مریم رضا را ملاقات کرد.

ب. مریم و رضا (همدیگر را) ملاقات کردند (طیب‌زاده، ۱۳۹۵ الف: ۱۷۶).

۴-۱-۵ تناوب با مفعول اُفتان اختیاری^۲ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در این تناوب نیز مفعول در گونهٔ ناگذرا قابل درک است ولی تفاوتش با دیگر تناوب‌های مطرح‌شده مثل تناوب اعضای بدن قابل درک در معنی و تفسیر مفعول قابل درک است. در تناوب اعضای بدن قابل درک، مفعول قابل درک اعضای بدن فاعل است، در تناوب ضمیر انعکاسی قابل درک، مفعول ضمیر انعکاسی با مرجع فاعل است و در تناوب متمم دوسویهٔ قابل درک، مفعول ضمیر دوسویهٔ قابل درک همدیگر است. اما در این تناوب، مفعول ضمیری غیرشخصی است و در گونهٔ گذرا می‌توان به جای آن از ضمیری چون «آدم، انسان، ما و غیره» استفاده کرد. در انگلیسی افعال نسبتاً زیادی در این تناوب شرکت دارند که از طبقهٔ افعال سرگرمی^۳ و نصیحتی^۴ هستند (لوین: ۳۸).

1. understood reciprocal object

2. PRO-arb object alternation

3. amuse verb

4. advise verb

44. a. The sign warned us against skating on the pond.
 b. The sign warned against skating on the pond.
45. a. That movie always shocks people.
 b. That movie always shocks.

به اعتقاد طیب‌زاده، در فارسی فعلی با این مشخصات وجود ندارد. نگارنده تعداد محدودی از افعال فارسی شرکت‌کننده در این تناوب را یافته است، اما به نظر می‌رسد این افعال برای شرکت در این تناوب محدودیت‌هایی دارند. در انگلیسی این تناوب محدود به افعال با مفعول تأثیر پذیرفته است. اما در فارسی محدودیت‌هایی در خصوص فاعل جمله نیز وجود دارد. فاعل یا کنش‌گر باید ویژگی خاصی برای انجام عمل فعل دارا باشد تا بتواند در این تناوب شرکت کند (این دسته از افعال با تناوب ویژگی خاص کنش‌گر در این خاصیت مشترک‌اند (نک. طبقه افعال هم‌ریشه با کنش‌گر) (نمونه ۴۵).

۴۶. الف. دل‌فک - همیشه می‌خنداند.

ب. دل‌فک - همیشه آدم‌ها را می‌خنداند.

ج. *دل‌فک می‌خنداند.

د. *برادرم می‌خنداند.

همچنین الزام حضور قید در غیاب مفعول نیز از دیگر محدودیت‌هاست (۴۶ج).

طبقه افعال نصیحت‌کردن: نصیحت‌کردن، قضاوت‌کردن.

۴۷. الف - مادرم همیشه نصیحت می‌کند/قضاوت می‌کند.

ب - مادرم همیشه آدم را نصیحت می‌کند/قضاوت می‌کند.

*مادرم نصیحت می‌کند/ قضاوت می‌کند.

۴۸. الف. سعی کنیم کمتر قضاوت کنیم/ نصیحت کنیم.

ب. سعی کنیم کمتر آدم‌ها را قضاوت کنیم/ نصیحت کنیم.

ج. سعی کنیم قضاوت نکنیم/ نصیحت نکنیم.

طبقه افعال سرگرمی: تحریک‌کردن، تشویق‌کردن، سورپرایز کردن، خندانیدن، ترسانیدن.

۴۹. الف. برادرم همیشه آدم را سورپرایز می‌کند

ب. برادرم همیشه سورپرایز می‌کند.

ج. *برادرم سورپرایز می‌کند.

طبقه افعال کشتن: قربانی کردن.

۵۰. الف. جنگ/خشونت همیشه قربانی می‌کند.

ب. جنگ/خشونت همیشه انسان‌ها را قربانی می‌کند.

طبقه افعال روانی - سرگرمی: افسون‌کردن، طلسم‌کردن

۴-۱-۶ تناوب‌های ویژگی خاص^۱

این تناوب‌ها زمانی به کار می‌روند که کنش‌گر یا ابزار ویژگی دارند که مبین عمل فعل است (طیب‌زاده، ۱۳۹۵ب). این تناوب به دو دسته تناوب‌های ویژگی خاص کنش‌گر^۲ و ویژگی خاص ابزار کنش^۳ تقسیم می‌شود:

۴-۱-۶-۱ تناوب‌های ویژگی خاص کنش‌گر

در هر دو گونه گذرا و ناگذرای این تناوب، کنش‌گر مبین ویژگی خاصی است که عمل فعل را ممکن می‌سازد. در این تناوب نیز مانند تناوب مفعول افتنان اختیاری، مفعول قابل‌درک در گونه ناگذرا، ضمیر مبهم «افراد یا مردم» است؛ اما فرقیان این است که در این تناوب، رویداد فعل مشخصه فاعل کنش‌گر است. برای نمونه، فعل نیش‌زدن به مشخصه فاعل نیش‌زننده مثل زنبور و.. اشاره دارد. به گفته لوین (۱۹۹۳: ۳۹) نیازی نیست که فاعل حتماً جان‌دار باشد.

51. a. That dog bites people.

b. That dog bites.

طبقه افعال صدمه‌زدن (کنش‌گر جاندار): نیش‌زدن، زدن (نیش‌زدن) گازگرفتن، گزیدن، پاچه‌گرفتن، چنگ‌زدن، لگدزدن، شاخ‌زدن.

۵۲. الف. آن سگ آدم را گاز می‌گیرد.

ب. آن سگ گاز می‌گیرد.

۵۳. الف. زنبور آدم را نیش می‌زند.

ب. زنبور نیش می‌زند (طیب‌زاده، ۱۳۹۵الف: ۱۷۸)

طبقه افعال صدمه‌زدن (کنش‌گر غیر جاندار)؟؟: خراشیدن، سوزاندن، زخمی کردن.

۵۴. الف. این دستگاه افراد را زخمی می‌کند.

ب. این دستگاه زخمی می‌کند.

طبقه افعال روانی - سرگرمی: افسون کردن، طلسم کردن.

۵۵. الف. معجون کوهی آدم را افسون می‌کند.

ب. معجون کوهی افسون می‌کند.

طبقه افعال هم‌ریشه با کنش‌گر^۴: گرم کردن (گرم‌ساز)، آرایش کردن (آرایشگر)، ماساژ دادن

1. characteristic property alternation
2. characteristic property of agent alternation
3. characteristic property of instrument alternation

۴. این طبقه از افعال تنها در جملاتی که فاعل خاص هم‌ریشه با فعل حضور داشته باشد در این تناوب شرکت می‌کنند.

(ماساژور)، مددکردن (مددکار) (یاری‌کردن، یاری‌دادن). ارشادکردن (مرشد)، نواختن (نوازنده)، بافتن (بافته).

۵۶. الف. گریمر در پشت صحنه افراد را گریم می‌کند.

ب. گریمر در پشت صحنه گریم می‌کند.

۱-۶-۱-۴ تناوب‌های ویژگی خاص ابزار کنش

گونه‌ناگذرای این تناوب، معنای غیرخدادی دارد (موسر^۱، ۲۰۱۳: ۹۸) و بیانگر این است که ابزار کنش ویژگی یا خاصیتی دارد که عمل فعل را ممکن می‌کند. در این تناوب ابزار خاص به‌کاررفته توسط کنش‌گر است که عمل فعل را ممکن می‌سازد و ابزارها به‌تنهایی قادر به انجام رویداد فعل نیستند (لویس، ۱۹۹۳: ۳۹-۴۰):

57. a. I cut the bread with this knife.
b. This knife cut the bread.
c. This knife doesn't cut.
58. a. This pen doesn't write.
b. These shears clip well.
c. This machine records well.
d. This oven cooks well.
e. This lotion softens, soothes, moisturizes, and protects.
f. This polish cleans, protects, and shines.
59. a. This key won't open.
b. This key won't open the lock.

این تناوب بیشتر با افعالی کاربرد دارد که در گونه‌گذرا یک گروه حرف اضافه‌ای ابزاری می‌گیرند. اما با این حال در یک طبقه خاص افعال ممکن است برخی اعضا این ویژگی را دارا باشند و برخی فاقد این ویژگی باشند. مثلاً در طبقه افعال آرایشی، تنها افعالی در این تناوب شرکت می‌کنند که می‌توانند فاعل ابزاری بگیرند:

۶۰. الف. خواهرم موهایش را با شامپوی گیاهی شامپو کرد.

ب. *شامپوی گیاهی خوب شامپو می‌کند.

۶۱. الف. خواهرم موهایش را با مواد کراتین گیاهی کراتین می‌کند.

ب. مواد کراتین گیاهی خیلی خوب کراتین می‌کند.

همچنین ممکن است یک فعل با برخی ابزارها در این تناوب شرکت کند و با برخی دیگر نتواند شرکت کند. برای نمونه، فعل «پختن» با ابزاری همچون «زودپز» در این تناوب شرکت می‌کند، اما با ابزاری همچون «اجاق گاز» نمی‌تواند چنین تناوبی داشته باشد:

۶۲. الف. او با این اجاق غذا را پخت.

* این اجاق نمی‌پزد (طیب‌زاده، ۱۳۹۵ الف: ۱۷۸).

۶۳. الف. او با زودپز سریع غذا را پخت.

ب. زودپز سریع غذا را می‌پزد.

طبقات افعال شرکت‌کننده در این تناوب عبارتند از:

طبقهٔ افعال ابزاری: آبیاری کردن، اتوزدن، اتوکردن، اتوکشیدن، اسپری کردن، آسفالت کردن، پارکت کردن، پاروکردن، جاروکردن، جاروکشیدن، سم‌پاشی کردن، شخم زدن، ایمیل کردن، پنچرگیری کردن، صحافی کردن، فاکس کردن، آسیاب کردن، برق انداختن، سوراخ کردن، بریدن.

۶۴. الف. مزارع را با استفاده از دستگاه آبیاری اتوماتیک آبیاری کردند.

ب. دستگاه آبیاری اتوماتیک راحت آبیاری می‌کند.

۶۵. الف. دستگاه‌هایی تعبیه شده بود که به فواصل منظم ماده‌ای خوشبوکننده اسپری می‌کردند.

ب. دستگاه‌ها به فواصل منظم اسپری می‌کردند.

۶۶. الف. کفش‌ها را با این واکس برق انداختم.

ب. این واکس برق نمی‌اندازد (طیب‌زاده، ۱۳۹۵ الف: ۱۷۷).

طبقهٔ افعال آرایشی^۱: اکستشن کردن، بندانداختن، پدیکور کردن، تئوکردن، رنگ کردن، سشوار کردن،

سوهان‌کشیدن، شانه کردن، شینیون کردن، شیو کردن، فردادن، مانیکور کردن، ویو کردن، هاشور کردن، هایلایت کردن، کراتین کردن، لولایت کردن، اصلاح کردن (شیو)، برنزه کردن.

* طبقهٔ افعال آرایشی کل بدن^۲: آرایش کردن، آراستن، گرم کردن.

طبقهٔ افعال آشپزی: آب کردن، پختن، سرخ کردن، جوشاندن، ذوب کردن، کباب کردن.

۶۷. الف. مایکروویو خیلی سریع آب/ذوب می‌کند.

ب. مایکروویو خیلی سریع شکلات را آب/ذوب می‌کند.

طبقهٔ افعال آماده‌کردنی: ورز دادن، هم زدن.

۶۸. الف. با همزن برقی سریع تخم مرغ‌ها را هم زد.

ب. همزن برقی سریع هم می‌زند.

۱. برخی از اعضای این طبقه که می‌توانند فاعل ابزاری بگیرند در این تناوب شرکت می‌کنند.

۲. * در کنار طبقات فعلی نشانه عدم شرکت طبقه مذکور در تناوب است.

طبقهٔ افعال پیوند دادن: اتصال دادن، ارتباط دادن، بافتن، پیچاندن، پیچیدن، پیوند دادن، تاب دادن، تاباندن (به هم پیچاندن)، جفت کردن، چسباندن، چفت کردن، رسیدن، سنجاق کردن، شبکه کردن، گره زدن، متصل کردن، وصل کردن.

طبقهٔ افعال ترکیبی: آمیختن، ترکیب کردن، جمع کردن، درهم آمیختن، درآمیختن، مخلوط کردن.

طبقهٔ افعال تماسی: ساییدن.

طبقهٔ افعال خلق کردنی: تحریر کردن، ضبط کردن، تایپ کردن، کشیدن (نقاشی)، نوشتن، ترجمه کردن

طبقهٔ افعال درمانی (برخی): لمینیت کردن، لیزر کردن، احیا کردن، بخیه زدن، پانسمان کردن، تزریق کردن، برساژ کردن، بلیچ کردن.

طبقهٔ افعال زدودنی: پاک‌سازی کردن، رفو کردن، ضد عفونی کردن، فیلتر کردن، تصفیه کردن، تهویه کردن.

طبقهٔ افعال طبقه‌بندی: دسته‌بندی کردن، طبقه‌بندی کردن، قاب‌بندی کردن، قالب‌بندی کردن، قالب زدن، قالب‌گیری کردن، گروه‌بندی کردن.

طبقهٔ افعال مراقبتی: مسواک کردن.

۴-۱-۷ تناوب متمم مستقیم در مقام راه^۱

در انگلیسی افعال push/pull در گونهٔ گذرا با مفعول مستقیمی همراه هستند که به معنای مسیر چیزی (X'way) است و همراه با گروه حرف اضافه جهتی هستند که بیانگر جهت این مسیر است. افعال بسیاری با چنین ساختاری در انگلیسی وجود دارند، اما به زعم لوین تنها سه فعل press, push, shove می‌توانند در گونهٔ ناگذرا مفعول مسیر را حذف کرده و همراه با گروه حرف اضافه جهتی حضور یابند. نگارندگان برای این تناوب در فارسی شاهدهی نیافتند.

69. a. They pushed their way through the crowd.

b. They pushed through the crowd. (Levin, 1993, p. 40)

۷۰. الف. تظاهرکنندگان راهشان را از میان جمعیت گشودند.

ب. * تظاهرکنندگان از میان جمعیت گشودند.

۴-۱-۸ تناوب امر تجویزی^۲

تناوب امر تجویزی نیز یکی دیگر از تناوب‌های گذرای است که لوین در دستهٔ تناوب‌های حذف مفعول

1. way object alternation

2. instructional imperative

قابل‌درک معرفی کرده است. گونه اول این تناوب نیز با ساختی گذرا همراه با مفعول آشکار ظاهر می‌شود که در گونه دوم مفعول آشکار حذف می‌شود، اما از بافت فعل قابل‌درک است. از تفاوت‌های قابل توجه این تناوب با تناوب‌های پیشین، ظهور فعل در وجه امری است (لویس: ۴۱-۴۰).

71. a. Bake the cake for 30 minutes.

b. Bake for 30 minutes.

از این رو افعالی که نمی‌توانند در وجه امری به‌کار روند، در این تناوب شرکت نمی‌کنند:

۷۲. الف. *بستی را دوست داشته باش.

ب. *دوست داشته باش. (طیب‌زاده، ۱۳۹۵ الف: ۱۷۸)

این تناوب بیشتر با افعال رخدادی مشاهده می‌شود که مفعول تأثیرپذیرفته دارند. در این تناوب، مفعول قابل‌درک برخلاف تناوب‌های پیشین که از فعل معنایش را می‌گرفت، معنایش را از بافت رویدادی می‌گیرد که فعل به آن اشاره دارد. طبقه افعال شرکت‌کننده در این تناوب عبارت‌اند از:

طبقه افعال ابزاری: آبیاری کردن، اتوزدن، اتوکردن، اتوکشیدن، اسپری کردن، آسفالت کردن، پارکت کردن، پاروکردن، جاروکردن، جاروکشیدن، سمپاشی کردن، شخم‌زدن، ایمیل کردن، پنچرگیری کردن، صحافی کردن، فاکس کردن، آسیاب کردن، سوراخ کردن. بریدن.

۷۳. الف. قهوه را آسیاب کنید تا کاملاً پودر شود.

ب. آسیاب کنید تا کاملاً پودر شود.

۷۴. الف. امروز باید اتاق‌ها را جارو بکشی و لباس‌ها را اتو کنی.

ب. امروز باید جارو بکشی و اتو کنی.

طبقه افعال نگه داشتن: احتکار کردن، پس‌انداز کردن، جیره‌بندی کردن، رزرو کردن.

۷۵. الف. در قدم اول باید پول‌های خود را پس‌انداز کنید.

ب. در قدم اول باید پس‌انداز کنید.

طبقه افعال تعویضی: تعویض کردن، تغییر دادن، جابه‌جا کردن، جانشین کردن، جایگزین کردن، عوض کردن، مبادله کردن.

طبقه افعال آرایشی: اکستشن کردن، بندانداختن، پدیکور کردن، تئو کردن، رنگ کردن، سشوار کردن، سوهان‌کشیدن، شامپو کردن، شانه کردن، شینیون کردن، شیو کردن، فردادن، مانیکور کردن، ویو کردن، هاشور کردن، هایلایت کردن، کراتین کردن، لولایت کردن، آراستن، گریم کردن، اصلاح کردن (شیو)، آرایش کردن، برنزه کردن.

۷۶. الف. موها را رنگ کن، شامپو کن و سپس شستشو بده.

ب. رنگ کن، شامپو کن و سپس شستشو بده.

طبقه افعال به‌دست آوردن (برخی): دانلود کردن، بازیافت کردن.

۷۷. الف. نرم‌افزار مورد نیاز را از سایت زیر دانلود کنید.
 ب. از سایت زیر دانلود کنید.
- طبقهٔ افعال پیوند دادن: وصل کردن، اتصال دادن، ارتباط دادن، بافتن، پیچاندن، پیچیدن، پیوند دادن، تاب دادن، تاباندن (به هم پیچاندن)، چسباندن، متصل کردن، گره زدن.
۷۸. الف. ابتدا سر و ته رول های رنگی را به هم وصل کرده و بیچانید.
 ب. به هم وصل کرده و بیچانید.
- طبقهٔ افعال ترکیبی: آمیختن، ترکیب کردن، جمع کردن، در هم آمیختن، در آمیختن، مخلوط کردن.
۷۹. الف. در ابتدا مواد را با هم ترکیب کنید.
 ب. با هم ترکیب کنید.
- طبقهٔ افعال تماسی: ساییدن.
- طبقهٔ افعال خوردنی: خوردن، آشامیدن، نوشیدن، نوش کردن؟
۸۰. الف. این دارو را باید روزی سه بار بخورید.
 ب. روزی سه بار بخورید.
- طبقهٔ افعال خلق کردنی: تحریر کردن، ضبط کردن، تایپ کردن، کشیدن (نقاشی)، ترجمه کردن، نوشتن.
۸۱. الف. شما باید مقاله را سریع ترجمه و تایپ کنید.
 ب. شما باید سریع ترجمه و تایپ کنید.
- طبقهٔ افعال درمانی (برخی): لیزر کردن، بخیه زدن، پانسمان کردن، تزریق کردن، جراحی کردن، عمل کردن.
۸۲. الف. زخم را بعد از ضدعفونی کردن پانسمان کنید.
 ب. بعد از ضدعفونی کردن پانسمان کنید.
- طبقهٔ افعال زدودنی: پاک‌سازی کردن، رفو کردن، ضدعفونی کردن، سانسور کردن.
۸۳. الف. با این محلول دست‌هایتان را ضدعفونی کنید.
 ب. با این محلول ضدعفونی کنید.
- طبقهٔ افعال سنجیدنی (برخی): اندازه کردن، اندازه گرفتن، اندازه‌گیری کردن، تراز کردن، تنظیم کردن.
۸۴. الف. دستگاه را روی درجه مناسب تنظیم کنید.
 ب. روی درجه مناسب تنظیم کنید. (طیب‌زاده، ۱۳۹۵ الف: ۱۷۸)
- طبقهٔ افعال طبقه‌بندی: دسته‌بندی کردن، طبقه‌بندی کردن، قاب‌بندی کردن، قالب‌بندی کردن، قالب‌زدن، قالب‌گیری کردن، گروه‌بندی کردن.
۸۵. الف. کتاب‌ها را مرتب دسته بندی کنید و در کارتن بچینید.
 ب. مرتب دسته بندی کنید و در کارتن بچینید.

طبقهٔ افعال گوارشی: جویدن، قورت‌دادن، بلعیدن، غرغره‌کردن.

۸۶. الف. روزی سه بار محلول را غرغره کنید.

ب. روزی سه بار غرغره کنید.

طبقهٔ افعال مراقبت بدن: مسواک‌کردن، حمام‌کردن، کیسه‌کشیدن.

۸۷. الف. بچه‌ها می‌دانید که باید روزی سه بار دندان‌هایتان را مسواک کنید؟

ب. بچه‌ها می‌دانید که باید روزی سه بار مسواک کنید؟

طبقهٔ افعال آشپزی: پختن، تفت‌دادن، جوشاندن، کباب‌کردن، آب‌کردن (ذوب)، ذوب‌کردن،

سرخ‌کردن.

۸۸. الف. شکلات را روی حرارت ملایم آب کنید و سپس روی کیک بریزید.

ب. روی حرارت ملایم آب کنید و سپس روی کیک بریزید.

افعال آماده‌کردنی: ریختن، هم‌زدن، پوشاندن، تکان‌دادن، ورز دادن.

۸۹. الف. باید خمیر را نیم‌ساعت ورز دهید.

ب. باید نیم‌ساعت ورز دهید.

۵ نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی یکی از انواع تناوب‌های گذرای با نام تناوب مفعول قابل‌درک پرداختیم. این تناوب خود به هشت نوع تناوب تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: تناوب مفعول نامشخص، تناوب مفعول عضو بدن قابل‌درک، تناوب مفعول انعکاسی قابل‌درک، تناوب مفعول دوسویه قابل‌درک، تناوب مفعول افتان اختیاری، تناوب ویژگی خاص، تناوب مفعول مستقیم در مقام راه و تناوب امر تجویزی. از این بین تنها برای تناوب مفعول مستقیم در مقام راه در فارسی شاهدی یافت نشد. تمامی انواع دیگر تناوب‌های مذکور با شواهد و طبقات افعال شرکت‌کننده معرفی شدند.

منابع

- شجاعی، راضیه و غلامحسین کریمی‌دوستان (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر بر تناوب سببی». دوماهنامهٔ جستارهای زبانی. س ۶، ش ۵، پیاپی ۲۶، ۲۶۱-۲۸۳.
- صفری، علی (۱۳۹۴). «معناشناسی زمینه و تناوب فعل‌های مرکب در زبان فارسی». دوماهنامهٔ جستارهای زبانی. س ۶، ش ۱، پیاپی ۲۲، ۱۵۳-۱۷۲.
- صفری، علی (۱۳۹۵). «تناوب مکانی در زبان فارسی: رویکردی ساختمند». نشریهٔ پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی. س ۶، ش ۱۱، ۳۵-۵۸.

- صفری، علی و غلامحسین کریمی‌دوستان (۱۳۹۰). «اثر کلی/ جزئی بر تناوب مکانی». پژوهش‌های زبان‌شناسی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان). س ۳، ش ۱، ۹۷-۹۹.
- صفری، علی و غلامحسین کریمی‌دوستان (۱۳۹۲). «تناوب سببی در فارسی». پژوهش‌های زبانی. س ۴، ش ۱، ۷۵-۹۴.
- طباطبایی، علاء‌الدین (۱۳۸۴). «فعل مرکب در زبان فارسی». نامه فرهنگستان، ش ۲۶، ۲۶-۳۴.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۹۳). «تناوب‌های آغازی/سببی» و «معلوم/ مجهول» در زبان فارسی». ادب‌پژوهی. ش ۳۰، ۹-۲۸.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۹۵ الف). «تناوب‌های گذرای در فارسی؛ تحقیقی براساس آراء بت لوین». دوماهنامه جستارهای زبانی. س ۷، ش ۳۰، ۱۶۵-۱۸۵.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۹۵ ب). درآمدی بر تناوب‌های موضوعی افعال در واژگان زبان فارسی؛ تحقیقی براساس آراء بت لوین (یادنامه استاد هرمز میلانیان). تهران: هرمس.
- قیاسوند، مریم (۱۳۹۴). «تناوب‌های فاعل فرعی در فارسی». پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی. س ۵، ش ۹، ۸۵-۱۰۱.

- Kuo, J. C.-C. (2015). *Argument alternation and argument structure in symmetrical voice languages: A case study of transfer verbs in Amis, Puyuma, and Seediq*. Manoa: University of Hawai'i.
- Levin, B. (1993). *English verb classes and alternations: A preliminary investigation*. Chicago: University of Chicago press.
- Mousser, J. (2013). *A large coverage verb lexicon for Arabic*. Doctoral Dissertation, Konstanz: University of Konstanz.